

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۹ سپتمبر ۲۰۱۳

چرا «انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند در تقلاء افتیده است؟؟

۲

صادق ظفر، کثیف ترین جانوری است که سوار بر وجدانش شده و دروغ می گوید!
«قضاوت» یک جاسوس بی ارزش!

اتهام بستن، متهم کردن و تهمت زدن خیلی سهل و آسان می باشد. بهتان در حقیقت نسبت دادن امری و یا چیزی است به کسی، بدون این که آن چیز در آن کس باشد. بهتان، خیانتی بسیار بزرگ و جنایت ناروایی است که بر حیثیت و آبروی کسی وارد می شود و دامن سپید او را آلوده می سازد؛ در حالی که او از لوث آن گناه پیراسته و منزله است. بهتان و افتراء عبارت است از این که انسان در حق غیر به چیزی که راضی نیست دروغ بگوید به عبارت دیگر چیزی را به دروغ به دیگری نسبت دهد و شخصی را که مرتکب گناه و عمل زشتی نشده است به انجام آن متهم کند و یا عیب و نقصی را که در او نیست به او بچسباند و فرقی نمی کند که این نسبت دروغ در حضور او باشد یا در غیاب.

تو صادق ظفر مقیم هالند من حیث تهمت کننده مدعی هستی که تمام سازمان های انقلابی جنبش مقاومت ملی و میهنی افغانستان انقلابی نبودند و رهبرانش رویونیست، اپورتونیست و..... بود. حالا پرسش ما از تو این است که کدام اسناد و شواهدی در دست داشته ادعایت را ثابت می سازد به نشر بسپار تا مردم به حرف ها و ادعایت باور کنند؟!

در این دو سال اخیر شاهد هستیم که تو بی اصل و نسب و بی هویت سیاسی وظیفه گرفته ای که در راه بدنامی جنبش انقلابی، سازمان های انقلابی و رهبران انقلابی همچو سگ «غف» بزنی تا به زعم سگانه ات مایه بد نامی جنبش انقلابی، سازمان های انقلابی و رهبران انقلابی واقع شوی؛ مگر عوعو کردن سند می شود؟! تو از کدام موضع، جنبش انقلابی، سازمان های انقلابی و رهبران انقلابی را به «نقد» می کشی و علیه آنها تهمت و افتراء می بندی؟

آیا از مواضع و دریچه های «خاد»، ISI و انجونیسم قضایا را می نگری و به «نقد» می کشی و معیار قضاوت قرار می دهی و یا از کدام موضع دیگر از قبیل موضع خشتک؟

ما «نقد»ها و لجن پراگنی هایت را تبلیغات و پروپاگاندهای طراحی شده در زرادخانه های(خاد) و ISI می پنداریم و تو کله خر مغز خر خورده را جارچی، پادو و جیره خوار (خاد) و ISI می شناسیم ؛ زیرا طرز برخوردت با قضایا بر پایه روش ، اسلوب و طریقه دشمنی و عقده استوار بوده و نه منطق انسان نوین. از چرنديات، لجن پراگنی ها و گزافه گوئی هایت بوی پستی، بدذاتی، شرارت ، تبهکاری ، خصومت ، عداوت ، نفرت و کینه می آید و چهره های منفور و عملکرد های چنگیز، چغتای و هلاکو را در ذهنیت ها مجسم می سازد.

از سیه نامه ها و جفنگ سرانی هایت بوی بیگانه و بیگانگی و پدر کشی می آید و این نوع روش و طرز دید و برخورد، چنگیز، چغتای ، هلاکو و مزاری را در خاطره ها زنده می سازد نه کمونیسم و «مائوئیسم» و ترحم و انسانیت را. بار ها در گوش تو خر زرد یاسین خواندم که تو خر بر اساس کدام صلاحیت بر کرسی قضاوت نشسته ای و تو به راستی که هستی که قاضی شده ای و قضاوت می نمائی؟ اما به جز عرعر کردن، باد خارج کردن و پس لگدی زدن جوابی از تو در یافت نکردم!

تو جاسوس کثیف به خاطر پوشاندن خیانت خودت و حسین و متباقي دارودسته انجو بازتان ، که مجبور بودید به خاطر حفظ شغل کثیف تان هر سه ماه یک بار، به آستان ISI سربسائید، این بار باز هم زنجیر پاره کرده، بیش از ۵ میلیون پناهنده افغان را نیز تهمت می زنی که گویا همه مجبور بودند، هر سه ماه یک بار قشقه تازه نمایند.

تو جاسوس کثیف باید بدانی که مردمی که در پاکستان پناهنده بودند هنوز زنده استند و این را به خوبی می دانند که میلیونها افغان بدون داشتن حتا شناخت پاس در پاکستان زندگانی می کردند، حتا اگر برای مردم عادی به شناخت پاس ضرورتی هم می افتاد، آنها با استفاده از بروکراسی فاسد تنظیم های حضرت و افندی با مصرف ۲۰۰ کدادر شناخت پاس به دست می آوردند، بدون آن که خود لحظه ای به کمیشنری رفته باشند.

آن مقررات سه ماه فقط افرادی را شامل می شد که در پاکستان از آبشخور انجونیسم تغذیه می نمودند، نه مردم و آنهایی را که چون رهبر، موسوی، آهنگر و یا دیگران که در پاکستان هم زندگانی نیمه مخفی داشتند.. تا جایی که من می دانم، نه زنده یاد «رهبر» با اسم اصلی و پاسپورت معتبر در پاکستان زندگانی می نمود و نه هم موسوی و نه هم

«رهبر» و اسم مستعارش برای پاکستان و گلبدین زمانی افشاء شد که حسین جاسوس پدر و پیشوای فکری و تشکیلاتی تو سگ کثیف، زیر نام مبارزه ایدئولوژیک هویت وی را افشاء و به تعقیب آن ترور شد. یعنی عاملان اجرائی ترور رهبران جنبش انقلابی از قبیل زنده یادان داکتر فیض احمد، مینا و رهبر هر کسی که باشد، نقش خبر چین و به دم تیغ جلاد سپردن آنها را حسین جاسوس و افرادی ار قماش تو وطنفروش به عهده دارند.

«انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند، آیا تو تا بحال عین سؤال را از لنده ات حسین جاسوس و دیگر «قومو»ها و هم قلاده هایش و رهبران و کادر های «پیکار» که با «حزب» در یک ائتلاف شامل می باشند، نموده ای که با چه پاسپورت هائی قبل از تجاوز امریکا و متحدانش در میهن آزادگان، به امریکا- اروپا- آسیا... سفر می کردند؟

دور نمی رویم نزدیک، چطور «حزب کمویست مائویست» که داد از جنگ خلق و سرنگونی قهری می زند در پاکستان اخوان زده فعالیت های سیاسی دارد و دارای پوست بکس های رسمی می باشد؟

مگر ISI این قدر ضعیف و ناتوان است که نداند در کویته چه می گذرد؟

(کور خود بینای مردم)!

«انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند، ای ناخلف حرامزاده و ای جاسوس زنا زاده، زنده یادان پروفیسر قیوم رهبر- داکتر فیض احمد و مینای قهرمان، توسط ISI و جیره خوارن اخوانی اش به جاودانگی تاریخی پیوستند. اگر آنها

مثل شما بی ناموسان و برادران اخوانی تان در مقابل شئونیسم پنجابی کرنش می کردند امروز زنده می بودند و اما پروفیسر قیوم رهبر- داکتر فیض احمد و مینای قهرمان به خاطر میهن و مردم شان تا واپسین لحظات زندگی رزمیدند و به خاطر نجات مردم و دفاع از وطن توسط کثیفترین نیرو های ماورای ارتجاعی در همکاری تنگاتنگ با (خاد) کابل؛ به شهادت رسیدند.

این که تو «زردنبوک» سرخم «انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند همه را به چوب و چماق انتقاد می کوبی تو و حسین چطور در سرزمین اختناق و ترور زنده ماندید و سر به سلامت بردید؛ ای شیاد دله و دیوٹ؟ آیا زنده ماندن تانرا از خوش شانس می انگارید و یا «چنگیزیست» های مربوط به ISI و ارتش پاکستان در «کویت» به مثابه «فرشته» های نجات از شما نگهبانی و حفاظت می کرد و می کند؟

«انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند، تو از ... پیشو می رفتی و می روی و «خسی» هستی و صلاحیت نگهداری از ناموس، عصمت و حرمت از نزدت سلب گشته است؛ پس چطور یک بی ناموس آبرو ریخته و جاسوس بی لگام و بی شرم به خود این صلاحیت را می دهد که در مسند قضاوت تکیه زند و بدون حضور داشت مدعی و مدعی علیه، شاهدان و اسناد در دست داشته، قضاوت یک جانبه کند و این «قضاوت» یک جانبه را به زعم بیمار و سادیستیکش جزء اسناد تاریخی ضبط و ثبت نماید و بشمارد؟!

صادق ظفر، فکر نکن که در «هالند» زیست داری و در زیر سایه امپریالیزم «هالند» در امان می باشی و این را بدان که به خاطر قتل نصرالله (شیردل) و سرقت و فروش سلاح های جنبش مقاومت ملی و دیگر خیانت ها و جنایات بی شماری، روزی خواهد رسید که در محکمه انقلابی مردم آزاده افغانستان فرا خوانده شوی.